

هالیوود و مهدویت

گفتگو با دکتر حسن بلخاری

شما صداقت و خلوص خاصی است، یعنی دنبال نام و نان نیستید، این را آدم منصف متوجه می‌شود. اگر بودید دنبال خیلی کارها می‌شد رفت. بستر کار هم همین است. سرمایه ما شیعیان این است، باید کمک بشود. شما با همین فضا فعلاً قضیه را پیش ببرید، بعد یک نماینده از صدا و سیما، یک نماینده از سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت ارشاد و حوزه هنری و دیگر جاهایی که درگیر این مسأله‌اند بیایند و برای آنها جا بیندازیم، چرا غرب ماتریکس، آرماگدون و روز استقلال را می‌سازد، صد تا فیلم می‌توانم معرفی کنم که اینها دارند روی آینده کار می‌کنند. اگر دارند کار می‌کنند یعنی مهم است. وقتی دارند «یا مهدی» را می‌سازند یعنی برایش مهم است. دقیقاً ما معادل آن کار، کار ارزشی و اثباتی بکنیم. این نیاز به یک تیم تخصصی دارد. ولی مهمتر از تیم، جا افتادن ضرورت کار است. یعنی این کار ضرورتش هنوز برای آقایان تعریف شده نیست و پی نبرده‌اند. حالا نمی‌دانم کوتاهی ما بوده، آقایان وقت ندارند و به روزمرگی افتاده‌اند.

منبع: ماهنامه موعود سال پنجم - شماره ۲۶

با توجه به اینکه فرمودید غرب پی برده که جوهره تفکر شیعی بحث مهدویت است، چه اقداماتی را در مقابله با آن در عرصه‌های مختلف انجام داده است؟

بگذارید برای جواب به این سؤال بسیار مهمتان من مقداری به عقب برگردم. مهدویت از کی برای غرب یک دغدغه شد. اولاً، این نکته را خدمتتان عرض کنم بعد از مسأله ظهور صفویه در ایران و اوجگیری اهداف استعماری غرب نسبت به شرق و اینکه ایران را می‌خواست دروازه هند بکند، مسأله مذهب ما هم برای آنها جدی شد، عثمانی سنی بود و ما شیعه و آنها هم از این استفاده کردند. آنجا به‌طور جدی وارد شناخت مبانی مذهبی ما شدند که از آن برای خود استفاده کنند.

یکی از مواردی که اینها به آن پی بردند مسأله «باب بودن» بود. یعنی آنها متوجه شدند که ما در اعتقادات اسلامی یک منجی داریم که زمانی ظهور می‌کند و لذا سعی کردند که از این موضوع برای رسیدن به اهداف سلطه‌جویانه خود استفاده کنند. اینکه شما می‌بینید «مستر همفر» در کتاب خاطراتش ذکر می‌کند که چطور ما محمدعلی باب را انداختیم در این فضا و گفتیم تو بابی و امام زمانی به‌نحوی نشان می‌دهد که غرب نسبت به تأثیر و اوج حضور این اندیشه در تمدن اسلامی شناخت پیدا کرده است، این را داشته باشید تا بعد برویم سراغ امام مهدی سودانی. آن کسی که در سودان حدود ۱۰۰، ۱۲۰ سال پیش قیام کرد و تحت عنوان مهدی در جهان مطرح شد.

این باز بعد دوم بود و کتبی که صهیونیستها بعد از آن نوشتند که مشهورترینش «چهارپر» است که سعی کرده مهدویت را در ذهن جهانیان بشکنند. یعنی مسأله، مسأله دامنه‌داری است و بعد از آن شما بیاید سراغ مرکز شیعه‌شناسی استراسبرگ فرانسه که البته آنها امام جعفر صادق علیه‌السلام، را مبنا قرار داده‌اند، این مصداقهای جزئی را دارم عرض می‌کنم و می‌خواهم این نکته را بگویم که برای غرب شناخت محورهای اسلام و بویژه شیعه خیلی مطرح است. شما می‌دانید غربیها از ایران و عراق خیلی ایمن نبودند. کشورهای عربی را با دست‌نشاندها

توانستند تحت سیطره خود دریاورند، اما اینجا را نه. در جریان فتوایی که داده شد و مسلمانها ریختند به سفارت روسیه در ایران همه را به قتل رساندند صرف اینکه به ناموس ایران تجاوز شده بود و پشت سرش دیدند پشت همه این جریانات یک آخوندی نشسته و دوتا جمله نوشته. اهل سنت با چنین فضایی آشنا نبود که حکم جهاد داده بشود، اینها فهمیدند یک قشری در این وسط وجود دارد که قدرت بسیار عظیمی دارد،

این نکته را بگویم که برای غرب شناخت محورهای اسلام و بویژه شیعه خیلی مطرح است. شما می‌دانید غربیها از ایران و عراق خیلی ایمن نبودند. کشورهای عربی را با دست‌نشاندها توانستند تحت سیطره خود دریاورند، اما اینجا را نه.

پخش شد اولین جایی که در کشورهای عربی انعکاس داشت «الرأی العام» بود در کویت.

پس از آن ۴۰ مقاله یا فتوا صادر شد مبنی بر تکفیر حضرت امام به سه دلیل که مثلاً ایشان معتقد شده پیامبران عاجزند، توانایی امام زمان علیه‌السلام فوق قدرت است. و تکمیل شریعت، پس شریعت ناقص است و ایشان می‌آیند و شریعت را تکمیل می‌کنند. غرب از اینجا هم پی برد که مسأله مهدویت چیز بسیار خوبی است برای آنها که بتوانند مسأله ایجاد کنند.

مجموع این برنامه‌ها به‌گونه‌ای نشان می‌دهد غرب واقعاً دارد روی این مسأله کار می‌کند و حداقل یکی از اهداف استراتژیک حضور در خلیج فارس - که من یقین دارم - این است.

میزان پذیرش جهانی نسبت به بحث مهدویت چگونه است؟

آفرین. این سؤال است. وقتی من در هند می‌بینم «گومه» را طلب می‌کنند، زرتشتیها که معتقدند دنیا دارد تمام می‌شود، زمان ظهور «سوشیانت» دارد می‌آید، در یهود و مسیحیت هم این مسأله بسیار بالاست. پس انگیزه‌ها و پتانسیل و پذیرش جهانی وجود دارد. لازم هم نیست که ما بگوئیم شما بیاید جای مسیح امام زمان ما را بشناسید، بلکه امام زمان علیه‌السلام را جوری مطرح کنید که مسیح زیرمجموعه‌اش بشود و بتواند به تمام نیازها پاسخ بدهد. اتفاقاً اگر بتوانید در اینترنت سایت بزیند و با جهان وارد مذاکره بشوید، ببینید چقدر برایتان مطلب می‌آید.

مجله نیوزویک، ۲۳ آگوست ۱۹۹۹، گزارش ویژه دارد و یک جمله بسیار مهم **What must be done?** (چه باید کرد؟) انسان به بحران رسیده و انسانی که به بحران برسد ناخودآگاه چشمش به آسمان است و آینده. رسالت شناساندن امام زمان، امام حسین و امام علی، علیهم‌السلام، به جهان کم از شناسایی آنها توسط خود ما نیست. منتهی نوع بیان بسیار مهم است.

رسانه‌های ما در برابر این مسأله چه کار می‌توانند بکنند؟

اولاً این کاری که شما کردید و ان‌شاء... خود امام زمان علیه‌السلام هم اجرش را بدهند، امیدوارم مسؤولان ما هم اهمیت این قضیه را احساس کرده باشند، باید سیستمی در رسانه‌های ما داشته باشد از کانال خود شما هم باشد. یک چیزی را مقابل خودتان نباید بگویم و پشت سرتان گفته‌ام، دورادور کارتان را دارم تعقیب می‌کنم، در کار

انسان به بحران رسیده و انسانی که به بحران برسد ناخودآگاه چشمش به آسمان است و آینده. رسالت شناساندن امام زمان، امام حسین و امام علی، علیهم‌السلام، به جهان کم از شناسایی آنها توسط خود ما نیست. منتهی نوع بیان بسیار مهم است.

دست اینها بود و اینها ذکر کردند که ما با اسم امام زمان داریم قیام می‌کنیم. شما این مسأله را داشته باشید. انقلاب اسلامی ایران پیروز شد و دقیقاً مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنین اتفاقی در مکه و مدینه می‌افتد. می‌دانید که مکه و مدینه مرکز جهان اسلام هستند. در پرتاز هم این نکته مهم را عرض کنم که هیچ فکر کرده‌اید چرا تخریب مجسمه بودا با حج مسلمین همگام و همزمان شد؟ خیلی مهم است. همچنان که رسانه‌های ما روی جشن کریسمس در جهان توجه دارند یک اتفاق مهم جهانی دارد می‌افتد. یک میلیون مسلمان دارند جمع می‌شوند مکه، طبیعی است که رسانه‌ها زوم می‌کنند، خبر ارائه می‌دهند، فیلم تهیه می‌کنند. جالب است بدانید روزنامه‌های ایران هفته پیش در ایام عید قربان تصویری را از مسجدالحرام در صفحه اول خودشان چاپ کردند و خیلی هم زیبا بود و از رویتر بود. همزمان با انعکاس این عظمت اسلامی در مکه و مدینه تلویزیون CNN فیلم پخش می‌کند که دارند با آر.بی. جی مجسمه بودا را می‌زنند. اینها همزمانی‌اش واقعاً مسأله‌دار است و دارد آن را خنثی می‌کند. در فیلم نوسترآداموس هم عظمت مسلمین را در مکه و مدینه نشان می‌دهد. اینها سمبل وحدت و عظمت و قدرت و هویت ما هستند و غرب می‌داند که هر اتفاقی می‌افتد از آنجاست، این یک مسأله.

قیامی که در مکه رخ می‌داد و متأثر از انقلاب اسلامی ایران بود. برای غرب خیلی مهم بود، برای غرب می‌توانست این موضوع اینجور باشد که مکه می‌تواند مرکز خیلی مسائل باشد. ضمن اینکه می‌دانیم امام زمان علیه‌السلام قیامشان را از آنجا شروع می‌کند.

آنچه که شما فرمودید کاملاً درست است. او می‌خواهد اولاً نیروی نظامی‌اش یک سد بین ایران و عربستان باشد. سیاست خارجی غرب در خلیج فارس این است که نگذارد بین این دو قدرت ائتلاف استراتژیک صورت بگیرد؛ از یک طرف هم نمی‌خواهد تنازع باشد چون خیلی‌ها طرف ایران را می‌گیرند و او مشروعیتش را از دست می‌دهد و تنازع به نفع ماست. چون افکار عمومی دنیای اسلام با ماست و اگر این افکار عمومی مواجه بشوند که دشمن ایران عربستان است، خادم‌الحرمین مشروعیت خود را در دنیای اسلام از دست می‌دهد لذا شما نقشه را اینطور ببینید که این نیروها حائل بین مکه و مدینه هستند، با ایران، ایرانی که پیام انقلابی دارد و آنجایی که مشروعیت مذهبی دارد البته حرمین، نه حاکمانش و طبیعی است که در چنین فضایی می‌آیند در اینجا نیرو پیاده می‌کنند.

نکته دیگری هم هست، امام در سال ۱۳۵۹ سخنرانی داشتند، در آن سخنرانی که پیرامون نیمه شعبان بود، فرمودند: «در تمام بشر کسی نبوده الا مهدی موعود، سلام... علیه، که خدای تبارک و تعالی ذخیره کرده است برای بشر. هر یک از انبیاء که آمده‌اند برای اجرای عدالت آمده‌اند و مقصدشان این بود که در همه جهان عدالت را اجرا کنند. لکن موفق نشدند بعد از انبیا و اولیای بزرگ از پدران حضرت موعود کسی نبوده است که عدالت را اجرا بکند و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای همچنین مطلبی». این سخنرانی وقتی

بعد در مسأله تحریم تنباکو هم این را دیدند. اینها نکات مهمی است که در نگاه غرب نسبت به شناخت مفاهیم محوری شیعه نقش داشت.

قبل از انقلاب اسلامی و فیلم «نوسترآداموس» هم اینها فعالیتهایی در این راستا انجام داده بودند. منتهی مسأله مهدویت پس از پیروزی انقلاب ایران برای اینها مطرح شد. این فیلم مربوط به سالهای ۸۰ و ۸۱ میلادی است. در فیلم هم ذکر می‌شود که در سال گذشته ولی جهان در سال ۸۱ با این فیلم آشنا شد. اینها وقتی با انقلاب اسلامی روبرو شدند به تصریح خودشان غافلگیر شدند. رئیس سازمان سیا این نکته را در حرفهایش گفته بود. از این جهت شما می‌بینید خیلی خام در این فیلم با این مسأله برخورد می‌کنند. این فیلم را «اورسون ولز»ی که فوق‌العاده معتبر بود در جهان سینما و بنا به اعتبارش هم او را برداشتند مفسر اشعار نوسترآداموس کردند اسکار هم به او دادند که بهودی هم هست و فیلم «همشهری کفین» را ساخته بود، در ۲۳ سالگی. خیلی ساده برخورد می‌کند، می‌گوید ۶۰۰ میلیون مسلمان در خاورمیانه جمع شده‌اند ثروت عظیمی دارند و برای صلح جهانی خطرناکند. شما احساس نمی‌کنید که باید این حرف را برای مخاطبیت جا بیندازی که مسلمان چون به ارزشهای نهفته خودش پی برده و ثروت دارد الزاماً خطر است؟ یعنی هر که ارزشش را بفهمد و ثروت داشته باشد برای صلح جهانی خطر است؟ خیلی رو برخورد کرده است، چون خیلی سراسیمه می‌خواهند امواج انقلاب اسلامی را تخریب کنند و تصویر و تفسیر بدی از آن ارائه بدهند و آمدند روی مسأله مهدویت، چون بالاخره آنها پی برده بودند که باید روی این نظریه کار بشود.

«هایزر» و همراهانش که در اوج انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به ایران آمده بودند و قرار بود همان ۱۹ بهمن مدرسه رفاه، مسجد دانشگاه تهران را که اکثر شخصیتها در آنجا بودند و فیضیه را بزنند، اما امام با این استراتژی که «بگویند این حکم از من نیست»، توانست این مسأله را مهار کند و بعد آمدند سراسیمه وارد عمل شدند که این هم قابل بررسی است؛ باید روی آن تحقیق بکنیم. قبل از انقلاب هم بود، بعد از انقلاب هم سراسیمه آن فیلم را ساختند، بعد وقتی در جنگ نقش محوری امام زمان علیه‌السلام مطرح شد. عین کلام امام این است که فرمانده اصلی جنگ امام زمان علیه‌السلام هستند. مسأله بسیار فراتر رفت برای غربیها که آن کنفرانس خیلی کلاسیک و سطح بالای تل‌آویو را گذاشتند.

من مجموعه گفتارهایی که پیرامون امام زمان علیه‌السلام را در حد توان خودم در این کنفرانس ارائه شده، جمع‌آوری کرده‌ام. در کتاب «تهاجم فرهنگی» خودم آورده‌ام که برنارد لوئیس این را می‌گوید. چون مضمون مقالاتش به دستم رسیده است. دیدم چقدر مسأله امام زمان علیه‌السلام برای اینها مهم است. بعد بازی کامپیوتری «یا مهدی» ساخته شد، مقالات مختلفی نوشته شد، فیلمهای مختلفی ساخته شد، منتهی از دهه ۹۰ آمدند سبک کار را عوض کردند. خیلی جالب است اگر به این نکته توجه شود. دیدند اگر بیایند امام زمان شیعیان را نفی کنند به نحو دیگری اثباتش کرده‌اند، چون در جهان این اتفاق وجود دارد که چیزی را غرب نفی کند، حتماً

یک ارزشی دارد. افکار عمومی جهان این زیرکی را هم دارند و در عین حال که این کار انجام شود به نحوی تبلیغ هم هست. لذا عوض شد و در دهه ۹۰ در فیلمهایی مثل «صهیون»، «آرماگدون» یک بعد اثباتی برای آن طرف مطرح شد به جای بعد تخریبی این طرف. ولی باز با این حال در سال ۱۹۹۷ برای اینکه مسأله نوسترآدموس فراموش نشود چون در این فیلم گفته شده بود، هر چند خود نوسترآدموس عدد نیاورده و صور فلکی را گفته که تکرارپذیرند و زمان دقیقی برای این مسأله مشخص نکرده و نمی‌توانسته هم مشخص کند، چون اگر شارلاتان بوده که قطعاً نمی‌توانسته و اگر نه «کذب الوقتون»، اصلاً نمی‌توانسته عدد بگوید. اینها گذاشتند برای اینکه امواج انقلاب اسلامی را در جهان تخریب کنند و برای اینکه فراموش نشود که گفته بودند سال ۹۹؛ در سال ۹۷ «گاسپار وان برگر» Next war (جنگ بعدی) را نوشت و بخشی از آن را اختصاص داد به اینکه در سال ۹۹ شخصی در ایران به قدرت می‌رسد، به اسم «محمد منتظری» که اسم اصلی امام زمان علیه السلام است و منتظری هم از انتظار گرفته شده و هیچ ارتباطی با «شهید محمد منتظری» حزب جمهوری اسلامی ندارد. (در فیلم نوسترآدموس هم می‌گوید مردی که نام آخرین پیامبر را بر خود دارد دوشنبه را برای تعطیل برخواهد گزید). می‌گوید ایشان به قدرت می‌رسد و دانشمندان ناراضی هسته‌ای شوروی را فرا می‌خواند و می‌گوید من به شما دلار می‌دهم اسلحه بسازید، اینها می‌آیند یک اسلحه می‌سازند به اسم «ذوالفقار». کافی است شما سکناس اولیه فیلم *The sold of Islam* - ۱۹۸۶، BBC را ببینید که ذوالفقار می‌آید کره زمین را متلاشی می‌کند. اول چهار قسمت این فیلم این صحنه بود که من در برنامه‌های تصویری دانشگاهی خودم از آن استفاده می‌کنم. ذوالفقار آزمایش می‌شود و نتیجه مثبت است، وقتی نتیجه مثبت می‌شود، رئیس جمهور فرضی ایران به آمریکا می‌گوید خلیج فارس را خالی کنید، آمریکا چون ارزیابی درستی ندارد، خالی می‌کند. نیروهای ایرانی می‌روند به سمت سرزمینهای غربی که صلیبی ذکر می‌کند.

قصه پرتی است مشخص هم بود که می‌خواهد قضیه نوسترآدموس را که ۱۷، ۱۸ سال از آن گذشته و در ذهنها فراموش شده، زنده کند. شما می‌گوئید قصه‌ای نوشته شده است و وهم است و... اما اینها سناریو می‌سازند و منای برخورد سیاسی خودشان را این سناریو خودساخته قرار می‌دهند.

خبر این است در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ (۱۸ آذر ۷۷) نیویورک تایمز، روزنامه مشهور آمریکایی، خبر داده که: «عده‌ای از دانشمندان انستیتو بیوتکنولوژی روسیه به خدمت ایران درآمده‌اند... و عده‌ای دیگر در روسیه برای تولید سلاحهای میکروبی همکاری می‌کنند. فردی به نام مهدی رضایت مشاور علمی رئیس جمهور ایران، یکی از فعالان ایرانی در این زمینه است». این در حالی است که آقای خاتمی مطلقاً مشاوره به اسم مهدی رضایت ندارد. جالب این است که این خبر را نیویورک تایمز می‌دهد (می‌خواهم بگویم پشت پرده صهیونیسم دارد همه چیز را به هم وصل می‌کند). بعد دولت آمریکا به استناد خبر نیویورک تایمز بیانیه می‌دهد و از تلاشهای تسلیحاتی ایران ابراز نگرانی می‌کند، اینها دارند اینجوری در این فضا کار می‌کنند.

ما در تهران به بجه‌هایی برخورد کرده‌ایم که «یا مهدی» و «ا... اکبر» به گوششان خورده احساس نفرت به آنها دست داده است؛ چرا؟ چون خوب دارد جوانان ما را تربیت می‌کند. آخر غرب از امام زمان ما چه اطلاعی دارد که می‌آید و بازی «یا مهدی» را می‌سازد. شما در نیویورک بگوئید: *ûPersian Gulf inferno* را می‌خواهم. می‌گوید: *What do you mean?* منظور چیست؟ شما بفرمایید «یا مهدی» بازی در اختیارتان قرار می‌گیرد. این دارد تربیت می‌کند.

من در کتاب مباحث جدیدم که البته در «تهاجم فرهنگی» ذکر نکرده‌ام گفته‌ام که الان تربیت دارد جای تهاجم را می‌گیرد و همه اینها بیانگر آگاهی از نقش محوری مهدویت

من به جد عرض می‌کنم که غرب هر جا پا گذاشته تأثیر را دیده که انقلاب اسلامی اوچش بود، لذا الان روی تخریب مفهوم مهدویت در جهان کار می‌کند، از یک طرف مهدویت ما را می‌کوبد، از یک طرف دارد مهدویت تخیلی خودش را ترویج می‌دهد، ماتریکس می‌سازد و Zion را.

در ۲۰۰ سال گذشته در تکوین حرکت‌های اجتماعی و سیاسی در متن شیعه است. من به جد عرض می‌کنم که غرب هر جا پا گذاشته تأثیر را دیده که انقلاب اسلامی اوچش بود، لذا الان روی تخریب مفهوم مهدویت در جهان کار می‌کند، از یک طرف مهدویت ما را می‌کوبد، از یک طرف دارد مهدویت تخیلی خودش را ترویج می‌دهد، ماتریکس می‌سازد و Zion را. جالب است بدانید که الان در استرالیا دارند همزمان قسمت دوم و سوم ماتریکس را می‌سازند. سال آینده که به بازار خواهد آمد ببینید چقدر استعاره‌های صهیونیستی و مهدویت در آن نقش دارد.

پس ظاهراً حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس چندان ربطی به صدام و عراق و کویت ندارد؟

بله، حضور دائمی خودش را با «یامهدی» کنترل می‌کند. به نکته خیلی مهمی اشاره کردید، این سبب شد من نکته خیلی مهمتری را عرض کنم. کسانی که این مصاحبه را می‌خوانند اصلاً اینجور برداشت نکنند که یک فضای مذهبی خاص دارد تمامی ابعاد سیاسی جهان را براساس دیدگاههای مذهبی‌اش تفسیر می‌کند. واقعاً این نیست. من حاضرم با افرادی که در این قلمرو می‌گویند نظریات خاصی را داریم تحمیل می‌کنیم به بحث بنشینم. چرا من به نیویورک تایمز و فیلمهای هالیوود و «یامهدی» استناد کردم؟ می‌خواهم بگویم براساس مجموعه تحقیقات داریم این نظریات را ذکر می‌کنیم. صرفاً از یک دیدگاه مذهبی یا سیاسی خاص نیست.

برای این نکته جالب شما من اشاره می‌کنم به جریان قیام ۱۹۷۹ مکه، من متأسفانه اسم شخصی را که با اسم مهدی در مسجدالحرام قیام کرد در ذهنم نیست. اصلاً موصاد به یاری فهد آمد، سه روز اصلاً مکه و مدینه در